

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان  
۲۲ اکتوبر ۲۰۰۹

## شکوه ۵۳

( ۹ ) در جرمنی :

{ ه }

نامه ای بنوشته که ای حاجبه  
دعوتی دارم ز تو ، ای جاذبه  
خرج سفر ، جمله بپردازمت  
هر قدمی گل ، ز وفا پاشمت  
وای و جب ، دعوتِ افغان نگر  
خرج و مصارف زدل و جان نگر  
حاجبه بنوشت ، به شرطی قبول  
خواهش من جمله بگردد حصول  
موتربنز ، رنگِ قشنگ ، قهوه ئی  
یا که ( BMW ) یی نوی نقره ئی  
وای و جب ، دعوتِ افغان نگر  
خرج و مصارف زدل و جان نگر  
هوتلی با استخر و زونا بود  
هرچه ضرور ، جمله مهیا بود

بهر مسازم فقط از مُدلان  
رفع شود خستگی ، با خوشگلان  
وای و جب ، بلبل افغان نگر  
خواهش بیچاره فراوان نگر  
هم یکی آرایشی بر موی من  
دیگری پیرایشی بر روی من  
شش نفر مرد قوی ، بادیگارد  
سنگ حریفان بکنند ، گرد و آرد  
وای و جب ، بلبل افغان نگر  
خواهش بیچاره فراوان نگر  
گشت ، دوسه نامه ، ردّ و بدل  
عقد قرارداد شدی بی جدل  
عکسی فرستاد ، برای و جب  
پوستر او دید و شدی در طرب  
وای و جب ، غنچه خندان نگر  
بلبل خوشخوان و خوش الحان نگر  
در همه جا پوستر آن گلبدن  
بلبل خوشخوان و گل یاسمن  
پیر و جوان ، منتظر دیدنش  
غنچه گک از باغ وفا چیدنش  
وای و جب ، غنچه خندان نگر  
بلبلکش مست و غزلخوان نگر

XXXXXXXXXXXXXXXXXX

## شِکوه ٤٥

( ٩ ) در جرمنی :

{ و }

صید و جیش منتظر و بیقرار  
آتشی عشقی به دلش ، در شرار  
در پی تبلیغ شده هر طرف  
خدمتِ دُرّدانه نموده صدف  
وای و جب ، غنچه افغان نگر  
بابلکش مست و غزلخوان نگر  
**بقیه دارد**